



بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن بر زبان آفرین

چرا فیلم نامه و نمایشنامه «معبد جنگ» را نوشتیم؟

این نه تنها امروز است، بلکه سالهاست که آفت تباهن «جنگ» روح مرا معذب میگرداند. ازینرو خواستم اثری بیافرینم تا مارا به این فکر بیاندازد که آیا عوامل عناد و ریشه های ستیزه جویی ها در اندیشه و افکار مسموم شده ما نهفته است و یا در جای دیگر است؟ این داستان را در اکتوبر سال ۲۰۱۵ نوشتیم، به این هدف تا همه در جستجوی آن گردیم که چرا هر کدام در مواقع خاصی آتش کین، بدبینی و عناد را در نهاد خود میپرورانیم و بدور خویش دیوارهایی را ایجاد میکنیم که درحقیقت نیایشگاه خودپرستی های ماست. جایکه از آن میتواند خصومت های بشر منشاء گیرد و جهانی را در کام شعله های آژمند خود فرو برد؛ درحالیکه قلب ما میتواند بجای سنگرگاه خصومتها مبدل به بهشتی گردد پراز صلح، صفا و بخشایش.

داستان «معبد جنگ» شرحیست از سفری جستجوگرانه در نهاد پیچیده و اسرارآمیز آدمی و دریافت اینکه چگونه میتوان با گزار از وادی خشک و بایر عقل ظاهر بین و خود محور، به جلگه های سبز صلح و آشتی رسید و به خرد و دانش والاتری ره یافت؟ بر علاوه اظهار مطلب فوق، نمایشنامه «معبد جنگ» و فیلم نامه مربوط به آن به منظور بسر رسانیدن اهداف آتی نیز نگارش و تولید گردیده است:

اول: فراهم نمودن فرصت برای فراگیری زبان مادری نوجوانان و کودکان از طریق تیاتر:

برای من جای مسرت فراوان اینست که بیش از هفتاد فیصد اشتراک کنندگان این پروژه هنری و تریبوی، جوانان و خورد سالان افغان بودند. ازینرو این نمایشنامه را درسه فورمت (شکل بندی) یعنی به زبان دری، زبان انگلیسی و به گونه تلفظ اصطلاحات دری با حروف لاتین (Transliteration) نوشتیم و صحنه بندی کردم که کار فراوان و پرمشقتی بود. وقتی این داستان را که هدف آن پیدا نمودن «معبد جنگ» در نهاد ستیزه جوی خود ماست بزبان انگلیسی ترجمه کردم یکتعداد جوانان که هدف این نوشته را با عمق آن درک کرده بودند به ما پیوستند.

صرف نظر از اینکه چه تبصره های نیک و مثبت و چه تبصره های مبتنی بر عقده گشایی های شخصی در مورد ابراز گردیده، بزرگترین دست آورد برای من اشتراک فعال و پر از شور و شوق جوانان درین برنامه هنری بود. زیرا اشتراک جوانان و کودکان در چنین برنامه های هنری آموزشی از نگاه روانشناسی اجتماعی حایز اهمیت فراوان است، مطالعات علمی نشان میدهد که یکی از دلایل عمده هبوط اخلاقی و کشانیده شدن جوانان مهاجر به سوی جرایم گوناگون در یک کشور میزبان، بحران بی هویتی و نشناختن ریشه های فرهنگی شان است. بحران بی هویتی Identity Crisis از نگاه روانشناسی به اندازه وخیم است که حتی میتواند یک جوان احساساتی را بسوی قتل نفس و خود کشی سوق دهد. البته در پهلوی جوانان یکتعداد از افراد بزرگی که سوابق مسلکی در هنر تیاتر دارند مانند محترم احد عزیز زاده و محترم آقای علم نعمتی اشتراک نمودند و بر قوت نمایش افزودند. همچنان محترمه خانم طاهره شیرزی رئیس هیأت مدیره افغان اکادمی بزرگوار نمودند و به منظور تشویق جوانان نقشی را بازی کردند. به همین ترتیب آقای صلاح الدین مسلم با آنکه وظیفه مهم اعمار دیکور صحنه ها را به عهده داشتند نقشی را ایفا کردند و منهم با آنکه استعدادی در اجرای نقش های سیمایی ندارم، به پاس احترام این بزرگواران و

احساس پاک هنری جوانانی که شامل این پروژه بودند، نقش پیکره سازی را که راوی داستان است بازی کردم تا نقش آفرینان جوان، خود را با من راحت احساس کرده و منحنی یکی از همقطاران خویش ببیزند.

متأسفانه فاصله های فرهنگی زیادی میان نسل های ما با عادات نیک و بدیکه داریم و فرزندان ما که در دیار غربت به بلوغ رسیده اند موجود است، بدهیست که کارهای مشترک فرهنگی میان دو نسل این فاصله ها را کمتر میسازد. یکی از هنرمندان ممتاز افغان و دوست نهایت گرامی اینجانب آقای جمال معصومی که این موضوع را با عمق آن درک کرده با کمال بزرگواری و شکسته نفسی با دو نفر از اعضای جوان این تیم، متن فیلم کارکرد و موسیقی نهایت زیبایی را آفرید که صحنه ها را روح می بخشد و بیننده را مجذوب میگرداند. آقای معصومی با ذوق هنری سرشار خویش در مدت سه روز موسیقی با عظمتی را برای این فیلم آفرید که برای سالها جاودانه خواهد ماند. شکیب جان و ولید تاج، متصدی تصویر برداری در تهیه موسیقی نمایشنامه بوده اند.

دوم: آشنا ساختن نسل جوان افغان به گوشه های از تاریخ سرزمین آبایی شان:

این متاع هنری یعنی محصول هفت ماه کار پر از تلاش اینجانب و تیم کاری این پروژه برای نسل جوانی تهیه گردیده که در عالم هجرت تولد شده، رشد نموده و یا در طفولیت با خانواده های خود مجبور به ترک دیار گردیده اند و اکنون با دلچسپی فراوان میخواهند تا با گذشته های فرهنگی سرزمین آبایی خویش آشنا شوند. میرهن است که یک فیلم و یا یک نمایشنامه تاریخی میتواند بهتر از هر کتابی این آشنایی را به بار آورد.

داستان معبد جنگ از نگاه زمانی در قرن اول و پیش از میلاد بعد از سقوط دولت یونان باختری و ظهور اقتدار «ساکه ها» واقع میگردد.



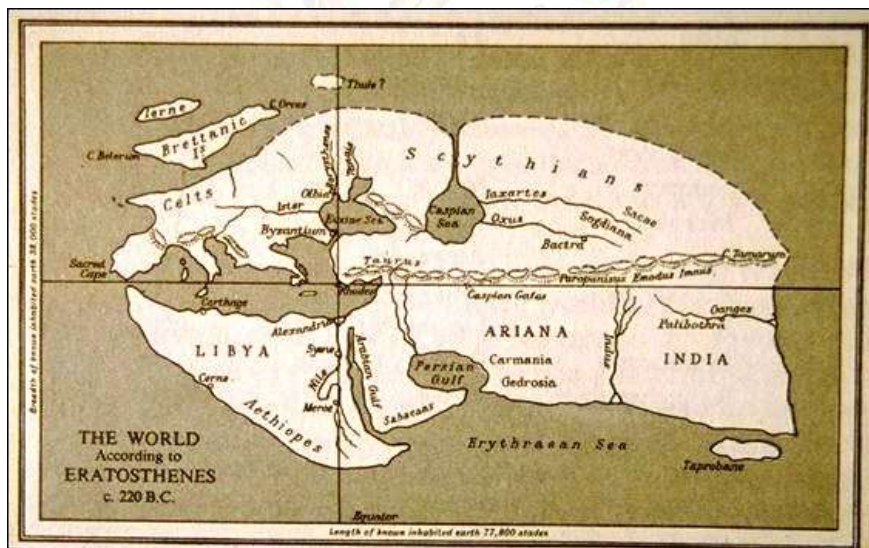
گیرای طلایی که تمثال آزیس دوم شاه «ساکه» را به نمایش میگذارد، از گنجینه های نایب «میرزکه» پکتیا مربوط عصر مدنیت ساکه ها و پهلواها، قرن اول ق.م

درین عصر هنوز امپراتوری کوشانی ها تأسیس نگردیده و از دولت ساسانی فارس خبری نبود. شاهان مهم این سلسله مایوس، آزیس اول، فرزندش آزیلاس، آزیس دوم و باز ماندگان شان بودند که اجداد مردمان سیستان تا زابل و غزنه بوده و بر باختر «بلخ» و هریوا «هرات» حکومت داشتند. در سال ۳۰ پیش از میلاد دامنه اقتدارشان از کابورا «کابل» تا به تاکسیلا و اندوس «حوزه سند» میرسید. آثار ناب زرین طلائی شبرغان و برخی از سکه ها و زیورات باستانی «میرزکه» گردیز مربوط به این دوره است.



جنگجویان عصرساکه ها و پهلواها ، قرن اول پیش از میلاد ، از گنجینه های زرین طلا تپه شبرغان

به اساس اسناد معتبر تاریخی چون «ریگویدا و اوستا» گسترده فرهنگی ایکه افغانستان امروزی در قلب آن موقعیت دارد، در ازمنه باستان بنام «آرینه، آریا ورته آریه آریانا و یجه» یاد میشد و نظر به اسناد کهن یونان آریانا خطاب میگردد. درین میان مهمترین سند نقشه ایست که توسط اراتوس تینیس- Eratosthenes جغرافیا دان معروف یونانی در اخیر قرن سوم و اوایل قرن دوم ق.م ایجاد گردیده و در آن کلمه آریانا به وضاحت دیده میشود. حدود آریانا در کتاب جیوگرافیکا اثر سترابو، جغرافیادان معروف قرن اول میلادی ذکر یافته و شرح گردیده.



نقشه جهان کهن توسط اراتوس تینیس Eratosthenes جغرافیا دان معروف یونانی قرن سوم تا اوایل قرن دوم ق.م برگرفته شده از کتاب جیوگرافیکا ، اثر سترابو.

همچنان در نقشه «نیاتر جهان» که توسط مارکوس ویپسانوس آگریا ، جنرال و مهندس رومی، در سال ۲۰ میلادی تهیه گردیده موقعیت سرزمین آریا «آریانا» و فارس منیحیث دو حوزه جغرافیایی مستقل از هم مشخص است.

درین عصر ساکه ها، پارتها و پهلواها درین بخش جهان حکومت داشته و با رومن ها در داد و ستد تجارتي بودند. پس از این دوره امپراتوری مقتدر کوشانی در افغانستان امروزی و امپراتوری نیرومند ساسانی در فارس یا ایران کنونی رویکار آمد.



Theatrum Orbis Terrarum, By Marcus Vipsanius Agrippa, 20 A.D. Dilke, O.A.W., Greek and Roman Maps, pp. 39-53.

در قرن هفتم پس از فتح شام و فروپاشی دولت ساسانی فارس بدست قوای مسلمین ثقافت اسلامی جاگزین مدنیت های پیش از اسلام بلاد آسیای شد و بعد از گذشت قرون متمادی، کلمه «آریانا» در ادوار اسلامی به شکل ایران در ادبیات قرن یازدهم، بخصوص در عهد سلطنت محمود غزنوی ظاهر گشت که مراد از کشور کنونی ایران پس از سال ۱۹۳۵ نبوده، بلکه سرزمینی افسانوی کهنی پنداشته میشد که پهلوانان آن با تورانیان در حال نبرد بودند. برای دریافت واقعات قرون اولی باید به منابع دست اول مربوط ادوار کهن چون ریگویدا، اوستا و نوشته های مؤرخین یونانی، مانند پلینی، بولیوس، سترابو و همهران اسکندر چون پتالمی و اپلیدوس، خواهرزاده ارسطو مراجعه کرد، نه رساله های دوره غزنویان که در آن وقت علم باستانشناسی مانند امروز مطرح نبود و نه در کتابهای که در مورد وقایع تاریخی سده های اخیر نگاشته شده است.

از نگاه ادبی شهنامه فردوسی اثریست ناب و بینظیر، اما یک کتاب جغرافیا نگاری و یا یک متن کاملاً تاریخی بشمار نمی آید. ابوالقاسم فردوسی که به امر محمود غزنوی منظومه حماسی شهنامه را نگاشت، اسطوره های باستانی را از منابع مختلف و بیشتر از نواحی زرنج، فراه، هیلمند «سیستان تاریخی» یا سرزمین باستانی ساکه ها Sakas جمع آوری نمود و از گشتاسپ نامه دقیقی بلخی ملهم گشت. ازینرو بیشتر از شهرهایی صحبت میکند که در جغرافیای کنونی افغانستان موقعیت دارند چون غزنه، زابل، کابل، بلخ، سمنگان، قلعه زال - واقع در قندز، کک کهزاد در فراه، زرنج و امثال آن. فردوسی در عصرش منحیث یک شاعر حماسه سرا مطرح بود نه یک مؤرخ چون عتبی، ابوالفضل بیهقی و عبدالحی گردیزی. گرچه در برخی متون ایندوره کلمات ایران، توران و فارس منحیث قلمرو شاهان پارینه آمده، اما اگر در نقشه های تاریخی جغرافیا دانان معروف ادوار اسلامی مانند ابو عبدالله محمد الادرسی و ابو اسحق ابراهیم بن محمد الفارسی دقت شود کشور مشخصی بنام «ایران» درین نقشه های تاریخی دیده نمیشود در حالیکه نواحی خراسان، ماورالنهر، کرمانیه، آذربایجان، فارس و بسی ساحات دیگر درین نقشه ها مشخص اند. لطفاً به نقشه البیرونی که از هم عصران فردوسی بود توجه کنید.



نقشه ابوریحان بیرونی، کتاب التفهیم، (شرح علم احکام نجوم)

البته درینجا مراد از هیچگونه کوچک نگری وسوء تعبیر در مورد فرهنگ غنی و بارور ملت برادر و همسایه ایران نیست، بلکه شرح تاریخی اصطلاحاتیست که در طی زمانه ها تلفظ و تعابیر متفاوتی را بخود اختیار نموده اند. میرهن است که طرفداران مفکوره "ایران بزرگ" در برابر نام تاریخی "آریانا" مقاومت نشان میدهند و آنرا رد می کنند تا هویت تاریخی افغانستان و کشور های آسیای مرکزی را بخاطر لشکرکشی های کوروش هخامنشی که ۲۵۰۰ سال پیش اتفاق افتاد، زیر سوال قرار دهند. اگر مراد از تاریخ تنها شرح لشکر کشی های جهان گشایان باشد، یفتلی های برخاسته از بدخشان و تخار نیز تیسفون پایتخت ساسانیان را در سال ۴۸۳ میلادی گشودند و در قرن سیزدهم میلادی چنگیز اکثر بلاد شرقی را فتح کرد و ایلک خانیان اولاده وی برای مدت درازی بر ایران امروزی حکومت کردند. از جانب دیگر تمام اقوامیکه از دجله تا ماورای آمو و از آنجا تا حوزه سند میزیستند همه آریایی و به قول برخی ایرانی الاصل نبودند. ماکس میولرز باشناس معروف آلمانی در رد برتری نژاد آریایی «ایرانی» در کتاب ارزنده تحقیقی خود (بیوگرافی واژه ها و منزلگاه آریا ها) در سال ۱۸۵۳ اعلام داشت که هدف وی از واژه آریایی "نسل برتر" ویا نژاد سفید نیست، بلکه هدف از مردمانیست که در ادوار کهن پیشه برزگری و زراعت را اختیار کردند. کلمه «آره» ویا «آرن» معنی دهقان وبرزگر را ارائه میدارد نه نسل و نژاد خاصی را چون «آره» از واژه «ار» به معنی قلبه گرفته شده.

سوم: زنده ساختن دوباره هنر تئاتر در جامعه افغانی:

نمایشنامه و فیلم «معبد جنگ» از نگاه ساختار به شیوه میکسد میدیا Mixed Media تهیه شده است. میکسد میدیا در ساحه هنر های تمثیلی شیوه ایست که در آن صحنه های زنده و صحنه های قبلاً فیلم گیری شده در فاصله های زمانی معین بشکل متناوب به روی سنیج می آیند. البته تقسیم داستان به بخش های زنده و صحنه های ویدیویی مستلزم دقت فراوان است. از نگاه ساختار دو پرداخت هنری، باید دو گونه نگارش یابد، یکی بشکل نمایشنامه برای صحنه های زنده و دیگری برای ثبت صحنه های تصویری. گرچه تهیه ایندو متن تا اندازه زیادی وقت گیر و دشوار است، اما نکویی این شیوه درانست که درپهلوی صحنه های زنده یک فیلم داستانی مستقل نیز در دسترس هنرمندان قرار می گیرد و زحمات شان پایدار میماند.

آشکاراست که بخاطر اقتصاد ضعیف هنرمندان، گرفتاری های کاری و نبود منابع مالی برای تولید فیلمهای هنری و تیاتر، این دو هنر درعالم هجرت درحال زوال است. نمایشات تیاتر در همه جای جهان عموماً بینندگان خاص خود را دارند، اما، ما افغانها مدتهاست که ازاین هنر بدور مانده ایم. ازینرو اکثرمتصدیانی که برنامه های هنری را تمویل میکنند از بروی صحنه آوردن یک نمایشنامه بصورت مستقل هراس دارند چون فرهنگ قدردانی ازین هنر در نزد مردم و در نزد آنانیکه چنین پروژه ها را تمویل میکنند در شرایط کنونی به اصطلاح بازاری ندارد، ولی از جانب دیگر تولید فیلم ها و نمایشات هنری با پیام و محتوی بکر آهسته آهسته توجه مردم را بخود جلب نموده و بالاخره با علاقمندی و پشتیبانی جامعه این هنر دوباره جان خواهد گرفت، اما تا رسیدن به این مرحله باید عده ای قربانی دهند و تحمل خسارات مادی و انتقادات را بپذیرا شوند، تا هنر تیاتر که زمانی با ظهور بزرگانی چون استاد برشنا، استاد قیوم بیسید، استاد غلام علی امید، استاد رشید لطیفی، استاد رونق، استاد رفیق صادق، محترم حمید جلیا، استاد سید مقدس نگاه و خانم زلیخا نگاه، خانم مزیده سرور و شا دروان خان آقا سرور، خانم زلیخا نورانی، محترم احمدشاه علم، محترم فیض خیر زاده، آقای ستار جفایی و بیسی بزرگان دیگر به اوج رسیده بود باز هم درخششی بیابد.

این پروژه هنری از ماه نوامبر سال ۲۰۱۵ تا با بودجه بسیارکوچک وبا وصف نداشتن ستودیوی فیلمگیری ومحل مناسب برای مشق وتمرین با پشتیبانی قابل ذکرمؤسسه غیرانتفاعی افغان اکادمی وهمکاری مادی ومعنوی یکتعاد از هموطنان با احساس آغاز و در نهم جولای ۲۰۱۶ آماده نمایش شد. درتهیه نمایشنامه وفیلم هنری معبد جنگ تمام هنرمندان بشمول کارگردان و فیلبردار،تهیه کننده موسیقی متن وهمکاران تخنیکی وصحنه آرابی بدون درنظرداشت هیچگونه پاداش مادی برای هفت ماه بصورت مداوم کار کردند و در بسر راندن یک کار فرهنگی (خواه خوب وخواه بقول عده قابل انتقاد) قدمی برداشتند. بدیهیست که این عمل قابل قدر و در خور ستایش. طوریکه قبلاً ذکر شد نمایشنامه و فیلم معبد جنگ درنهم جولای درتالار «وارنر تیاتر» شهر واشنگتن به نمایش گزارده شد که میزبانی آنرا افغان اکادمی به عهده داشت، اما بخشی ازداستان بخاطردیقی وقت و قوانین انعطاف ناپذیر «وارنر تیاتر» درمورد ادامه برنامه بعد از یازده و نیم شب، ازنمایش باز ماند، که بخش مهم یعنی نتیجه گیری داستان بود. البته این نمایشنامه تاریخی دریک موقعیت مناسب وبا مدیریت جوانان شامل در پروژه به نمایش گزارده خواهد شد. طوریکه قبلاً ذکرشد، بزرگترین دست آورد برای من اشتراک نسل جوان افغان برای مدت هفت ماه تمام درین پروژه است، چون همگام با اینجانب و بزرگتر هایی که درکنار شان بودند مانند محترمه طاهره شیرزی، محترم احد عزیز زاده، آقای علم نعمتی و آقای صلاح مسلم کارکردند. درطول این مدت دیکور ساختند، صحنه پردازی نمودند، فیلمگیری و صدا برداری کردند، نظردادند، انتقاد هنری نمودند، آموختند ومن هم ازایشان درس بی آلاچی، روبرو گفتن وصفا را آموختم. متاعی که با کمال تأسف درنزد اکثر ما بزرگتر ها و نسل ما کمتر موجود است. برای من جای مسرت فراوان اینست که بیش از هفتاد فیصد اشتراک کنندگان این پروژه هنری و تربیوی جوانان وخورد سالان افغان استند و متاع هنری ای در دست دارند که باز هم قابل نمایش است، چون این اثر هنری به شیوه میکسد میدیا **Mixed Media** (متشکل از صحنه های ثبت شده در فیلم وصحنه های زنده) با مصرف بسیار اندک تهیه گردیده و قابل انتقال میباشد. یعنی هرگاهیکه خواسته باشند آنرا به نمایش گزارده میتوانند.

اظهار قدردانی:

باید با قدردانی یاد کرد که خانم سلما جهانی، آواز خوان پر آوازه افغانستان و فرزند هنرمند ایشان رهی جهانی به افتخار هنرمندان نسل جوان و به منظور پشتیبانی ازاحیای تیاتر و فعالیتهای فرهنگی جامعه افغانی کنسرت زیبایی را بدون درنظر داشت هیچ گونه پاداش و اجرت مادی اجراء نمودند و با صدای سحرانگیز خود برگرمی محفل افزودند. یقیناً این عمل بزرگوارانه خانم سلما جهانی و فرزند هنرمند شان که ممثل احساس ژرف و صادقانه هر دو در راه ترقی هنر و هنرمند است برای سالهای سال در خاطره ها باقی خواهد ماند. با وصف نا بسامانیهای موجود درجامعه ما هنوز بزرگوارانی هستند که فعالیتهای هنری برای شان اهمیت فراوان دارد و بلوغ هنری جوانان را به دیده قدرمی نگرند. بطور مثال اشتراک استاد خیال آهنگساز پر آوازه کشور، جناب پوهاند حیدر زاد پیکره ساز معروف و والای وطن و آقای احمدشاه علم دراماتیست و دایرکتر موفق از راه های دور برای تشویق هنرمندان جوان گواه این مطلب است.

باید با سپاس فراوان یاد کنم که جناب صلاح مسلم و خانم نهایت گرامی و مهربان شان بانو فهیمه مسلم با وصف بیماری ای که دارند، با جبین گشاده و باکمال مهمان نوازی افغانی برای مدت سه ماه تمام بیسمت Basement منزل خود را در اختیار این پروژه گذاشتند تا دیکور فیلم در آنجا صحنه آرایی شود. درین رابطه از همسر، خدیجه نوید نیز ممنونم که پذیرفت منزل ما برای مدت سه ماه دیگر برای ساختن دیکور، تمرین درام و فیلمبرداری مورد استفاده قرار گیرد. بهمین ترتیب از جناب قدیر و همسرشان که با جوانمردی باغ واسپ های شانرا در توسن مریلند در اختیار تیم پرودکشن گذاشتند نهایت ممنونم. یکی از صحنه های مهم این داستان دربال روم شکوهمند بلویو Belleview فیلمبرداری شده که ازینجهت از آقای فریدون کنیشکا ولی زاده، مالک این بنای زیبا و پدرگرامی شان آقای علیشاه ولی زاده، دوست دیرینه و گرامی یک جهان ابرازسپاس دارم. همچنین از دوست نهایت عزیزم آقای ذکریا صناعی، آوازخوان با احساس و مستعد که آغاز تا انجام این پروژه با هنرمندان همکاری بی شائبه داشتند و از دو آواز خوان بسیارگرامی و قدردان آقایان ناصرشریف و حبیب قادری که با عواطف هنرمندانه حمایت خود را برای همکاری اعلام داشته اند ابراز تشکر فراوان دارم. باید یاد آورشد که آقای امان امین قدم به قدم با هنرمندان همکاری های فراوان نموده اند و ازین درک از ایشان ابراز سپاس دارم. بهمین ترتیب کمکهای آقای صدیق کاکر، جناب رحمانی آقای ناصری و خانم شان محترمه ماری خلیلی و آقای عبدالله خواجه که با احساس وطندوستانه ازین پروژه پشتیبانی نموده اند قابل قدر فراوان است. آنچه از نگاه من ارزش این برنامه هنری یعنی تهیه فیلم و درامه معبد جنگ را دو چندان میسازد احساس پاک یکتعداد زیاد هموطنان در رابطه به موقعیت این کار هنری مشترک میباشد. بدیهیست که همکاری خالصانه و ارزشمندی چنین مارا به آینده انکشاف بیشتر هنر و فرهنگ درمیهن عزیز ما افغانستان امیدوارتر میگرداند، زیرا نه تنها دوستانی که از ایشان نام بردیم، بلکه آقای نور وجوهات رئیس تلوزیون زرین، جناب خطاب رئیس تلوزیون پیام افغان، آقای نبیل مسکینیار رئیس تلوزیون آریانا افغانستان، خانم نسرین محمود عزیزی نطق مشهور وطن، آقای ارسلان لطفی و کارکنان برای ویژن Tri-vision و آقای داود برکت، دربخش اشتهاارات و چاپ اعلانات این پروژه را همکاری نموده اند که از همه یکجهان اظهار سپاس دارم.

اشتراک کنندگان فیلم و دارمه معبد جنگ:

گوینده: لیلظفر، شاه آریس: احد عزیززاده، ملکه و پرونا: سلطانه فریار، مجسمه ساز: حامد نوید، آریلاس: عبدالله امین، هوشپیل: حمزه نوید، آدینه: سونیا پوپل، کاووس: علم نعمتی، یلدا (ندیمه ملکه): یلدا بکتاش، قباد: عظمت جمال زی، پگاه کوچک: آرزو نوید، مهین مادر آدینه: طاهره شیرزی، سهینه: رحمة پوپل، برلاس (وزیر): صلاح الدین مسلم، آرش: شبیر حمید، جوشن: اجمل خیرخواه، نارنگ: محفوظ خدای جنگ: سلطان وجوهات، سروش: ساره (خان)، نگهبانان: ظفر اعظم، زبیر اعظم، احمد ضیا اعظم، نوازندگان: زبیر اعظم، محترمه خانم حمید چنگ نواز، وکیل جویا، طبل نواز، خنیا گر: لوری کلارک، کودکان گلفروش: احمد جمالزی، ساره جمالزی، مصطفی جمالزی. فیلمبردار: ولید تاج، موسیقی متن: جمال معصومی، صدابردار: شکیب رحمانی، دیکور: صلاح مسلم، متصدی لباس: اجمل نیکزاد، تنظیم وقت: عظمت جمالزی، نویسنده و کارگردان: حامد نوید.

پایان

نوت: زحمات و صرف وقتی که با وسایل غیر کافی درین فیلم نامه – نمایشنامه در اثر اهتمام و سعی بلیغی که در خلق چنین یک اثر هنری از جانب دانشمند محترم «حامد نوید» و ذوات محترمی که به قسمت های مختلفه آن صورت گرفته است، واقعاً قابل ستایش و تقدیر است. باور داریم که این قدم مثبت در احیای هنر تیاتر افغانی در مهاجرت و اشتراک نسل جوان افغان که از مادر وطن به دور مانده اند، نقش آموزنده و سازنده ای را ایفا می نماید. بدین وسیله تبریکات و آرزومندی هیئت تحریریه آریانا افغانستان آنلاین را خدمت هنرمندان و دست اندرکاران نمایش نامه – فیلم نامه «معبد جنگ» تقدیم می نمایم.

صفحاتی از جریان نمایشنامه و فیلم «معبد عشق» را در ادامه مشاهده بفرمایید.

صحنه های از جریان فیلمگیری داستان «معبد جنگ»





Taj Cinema Studio, LLC would like to recognize a very special and talented international actor in Alam Niamati, who has portrayed flawlessly the mythological figure as 'Ka'us' in the upcoming feature film "The Temple of War", which debuts July 9, 2016 at Warner Theater in D.C.

A photograph of a man with a shaved head, wearing a red cape over a white shirt. He is holding a lit torch in his right hand, which illuminates his face. The background is dark and blurry.

Copyright © 2016 Taj Cinema Studio, LLC All Rights Reserved.

